

پدری مهربان برای همه

دانش‌آموزان درباره امام زمان (عج) می‌پرسند



حسین محمودی

بسم الله الرحمن الرحیم

پدری مهربان برای همه

نویسنده:

حسن محمودی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پدری مهربان برای همه

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمودی، حسن، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور : پدری مهربان برای همه : دانش آموزان درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می پرسند/مولف حسن محمودی.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۹۵-۸ :

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت-- انتظار -- پرسش ها و پاسخ ها

رده بندی کنگره : BP۵۱/م۶۳۳۶پ۴ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۷۸۲۳۶

ص:۱

اشاره

پدری مهربان برای همه

دانش آموزان در باره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می پرسند

مؤلف:

حسن محمودی

پدری مهربان برای همه

مؤلف / حسن محمودی

ناشر/ بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)

طراح جلد و صفحه آرا / عباس فریدی

نوبت چاپ / پنجم، زمستان ۱۳۹۰

شمارگان / پنج هزار نسخه

بها / ۱۲۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت/خیابان شهدا / کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ: ۱۱۹– ۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱/ فاکس: ۷۷۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) / تلفن:۵ –۸۸۹۹۸۶۰۱ / فاکس: ۸۸۹۹۸۶۰۷ /ص.پ: ۳۵۵–۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۹۵-۸: شابک

ص:۲

بسم الله الرحمن الرحيم

ص:٣

فهرست مطالب

- کاش زود تر می دانستم

ص:۵

ص:۶

فصل اول

/ معنای غیبت امام

/ او مارا می بیند و می شناسد

/ دلایل

/ از کارهایمان خبر دارد

ص:۷

صـدای همهمه در کلاس پیچیـده، تلاشـهای ندا نماینده کلاس برای ساکت کردن بچه ها خیلی فایده ای ندارد هرکس با بغل دسـتش مشـغول صـحبت است. بعضـی ها هم با دو سه نیمکت آن طرف تر صحبت می کنند با آمدن خانم نیازی دبیر ریاضی عطر احترام با ایستادن بچه ها در فضا پخش شد.

ندا خسـته از تلاش، سـر جایش نشـست. خانم نیازی به بچه ها سلام کرد و بعد از باز کردن دفتر حضور و غیاب، نام بچه هار ا یکی یکی خواند.

_ سمیه جمالی،

_ حاضر

ص:۸

ـ مرضیه خانی،

ـ بله خانم هستیم

ـ مریم امیدیان،

ـ حاضر

ـ مرجان اصغری،

ـ حاضر

محدثه زمان پور ! زمان پور نیست؟

ندا روستا بلند شد و گفت: نخیر خانم، امروز غیبت کرده.

خانم نیازی علت غیبت را پرسید. ندا هم سری تکان داد و نشست. بعد از حضور و غیاب بچه ها، خانم نیازی درس جدید را شروع کرد...

مریم از شاگردهای خوب کلاس و همیشه جزء سه نفر اول مدرسه است. یکی از علتهای پیشرفت مریم در درسهایش این بود که خیلی دقیق به اتفاقات دور و برش نگاه می کرد و از کنار هر مساله ای به سادگی نمی گذشت. مریم دیروز در درس دینی بحث امامت را خوانده بود و از علت غیبت امام زمان علیه السلام از دبیر دینی سئوال کرده و از جواب ایشان خیلی قانع نشده بود.

آخر زنگ ریاضی بود؛ درس خانم نیازی تمام شده و بچه ها در اختیار خودشان بودند تا زنگ تفریح بخورد. صدای ندا روستا نمایندهٔ کلاس، در گوش مریم زمزمه می شد

«محدثه غایبه» با خودش گفت: محدثه غایبه، یعنی فعلاً حضور ندارد؛ اما در واقع هست، ولی در کلاس نیست، امام زمان علیه السلام غایب است یعنی چه؟! آیا به همین معناست که وجود دارد ولی حضور ندارد؟

البته خودش هم می دانست که غیبت امام زمان علیه السلام با غیبتی که ما در کلاس داریم از زمین تا آسمان فرق دارد، ولی با این حال خیلی دوست داشت که معنای غیبت امام را بداند و از علت غیبت هم آگاه شود.

در همین فکرها بود که هدی جوانمرد از دوستان خوب مریم که وقتی پایش را از مدرسه بیرون می گذاشت یک کمی موهایش را از مقنعه بیرون می آورد دستی به مریم زد و گفت: خانم تو فکری؟

مریم که تازه به خودش آمده بود با لبخند روبه هدی کرد و گفت: داشتم در مورد غیبت فکر می کردم. هدی که تازه چند

تـا پسـته از جیبش بیرون آورده و در حـال خوردن آنهـا بود بـا خنـده و دهـان نیمه پر گفت: نگو دختر که بابـام می گفت: «از گناهان کبیره و مثل خوردن گوشت مرده است» همیشه با مامانم جرو بحث دارند که چرا مادرم مدام حرف دیگران را می زند و باعث می شود بابام دوباره غیبت بشنود!

مریم که از پر چانگی هدی خوشـش می آمد گفت: نه بابا! این غیبت را که نمی گم، منظورم غیبت آقا امام زمان علیه السـلام است.

هـدی یک پسته دیگر شـکست و بدون تعارف طوری که خانم نیازی هم متوجه نشود آنرا خورد و گفت: این که فکر ندارد، مگر دیروز درس دینی یـادت نیست؟ مـا شـیعیان دوازده امام داریم که پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم آنهارا معرفی کرده و امـام آخر ما امام زمان علیه السـلام در غیبت کبری بسـر می برنـد. یک شـعر هم هست که آبجی کوچکم تو مهـد کودک یاد گرفته و همیشه برای ما می خواند:

دوازدهمی حاضر است

زنده ولی غایب است

ظهور کند زمانی

روشن کند جهانی

ص:۱۱

مریم گفت: همین! من می خواستم بدانم اینکه امام زمان علیه السلام غایب هستند یعنی کجایند؟ حضور دارند، یا کلاً غایبند ببین وقتی محدثه زمان پور نیامده، از بچه های کلاس غایبه، ولی پیش پدر و مادرش حاضره، حالا اینکه امام زمان علیه السلام غایبه یعنی چی؟

تا صدای زنگ تفریح به صدا درآمد، هدی سریع از جایش بلند شد تا به سمت حیاط مدرسه برود، مریم ادامه داد: هدی صبرکن هنوز حرفم تمام نشده! هدی که در حال رفتن بود سرش را به سمت مریم برگرداند و گفت: من که نمی دانم اما الان هم باید بروم یک ساندویچ بخورم شاید چیزی به ذهنم خورد و توانستم کمکی کنم، ولی اگر نشد قول می دهم از خانم ریاحی بپرسم.

مریم خیلی آرام کلاس درس را ترک کرد. هنوز به حیاط نرسیده بود که با خودش گفت: چرا خودم از خانم ریاحی نپرسم، به هر حال ایشان دبیر دینی هستند و به احتمال قوی باید جوابی برای این سئوال داشته باشند.

ص:۱۲

به سمت دفتر رفت. در زد و بعد از اجازه وارد شد. خانم معلم ها در حال خوردن چای و صحبت کردن با همدیگر بودند، خانم معاون هم گوشی تلفن را به دست گرفته بود و در مورد اردوی هفته آینده مدرسه با اداره صحبت می کرد.

خانم ریاحی وقتی آمدن مریم را به سمت خودش دید، با لبخند از او پذیرایی کرد و با تعارف چای، او را تحویل گرفت. مریم با تشکر گفت: ببخشید خانم یه سئوال داشتم! خانم ریاحی با مهربانی گفت: بفرما عزیزم.

مریم که سعی می کرد طوری بایستد که پشتش به هیچ معلمی نباشد پرسید: خانم، امام زمان علیه السلام غایبه یعنی چی؟ این غیبت به چه معناست؟ خانم ریاحی، غافلگیر از این سئوال، سعی کرد خودش را مسلط نشان دهد، استکان چای را روی میز گذاشت و گفت: عزیزم سئوال خیلی دقیقی پرسیدی! اگر اجازه بدهی من فردا جوابش را به شما می دهم.

مریم خداحافظی کرد. او خیلی خوشحال بود که خانم ریاحی نخواسته با یک جواب آبکی سر او شیره بمالد و

خوشحال تر اینکه خانم ریاحی فردا با مطالعاتی که خواهد کرد جواب محکمی می آورد.

بچه ها به کلاس آمدند، ندا روستا روی تخته سمت راست، خوبها و سمت چپ، بدها را نوشته بود. زیر اسم بدها نام فرشته جلالی می درخشید. فرشته که موشک کاغذی دست سازش را به سطل آشغال می انداخت، رو کرد به ندا و گفت: بچه بازی در نیاور، ما دیگر بزرگ شده ایم.

ندا بدون اینکه جوابی به فرشته بدهد یک ضربدر جلوی اسمش زد؛ فرشته هم بی توجه به او به سمت نیمکتش رفت.

معلم وارد کلاس شد. یک دفعه آن همهمهٔ همیشگی تبدیل به سکوتی غیر قابل تصور شد. هیچکس باورش نمی شد که این سکوت از همان کلاسی است که لحظه ای پیش پر از همهمه بود.

خانم معلم نگاهی به تخته و نگاهی به فرشته انداخت. چیزی نگفت اما با همان نگاه، فرشته سرخ و سفید شد و با دست اشاره ای به ندا کرد که «مگر به دستم نیفتی».

ص:۱۴

آنروز گـذشت و فردا بچه ها با شوق وارد کلاس درس شدند. مریم از همه خوشـحال تر، که امروز جواب سـئوالش را خواهد گرفت. این اصرار او برای حل مشکلات و این دقت و ریز بینی ها، توانسته بود او را در مدرسه جزء شاگردان ممتاز کند، معلم ها از مریم به خاطر اینکه فقط به سئوالات درسـی اکتفا نمی کرد خیلی تعریف می کردنـد و به او بها می دادنـد. خانم ریاحی وارد کلاس شد؛ بچه ها او را خیلی دوست داشتند. جدای از معلمی برای دانش آموزان مثل یک دوست صمیمی بود. هرکس می گفت خانم ریاحی مرا از همه بیشتر دوست دارد علتش هم گرم گرفتن خانم ریاحی در سـلام و احوالپرسـی بود که با تک تک بچه ها اینگونه رفتار می کرد و این اخلاق خوبش او را میان همه معلم ها نمونه کرده بود.

خانم ریاحی بعد از سـلام و احوالپرسی با بچه ها، نگاهی به مریم انداخت و به دانش آموزان گفت: دختـرای گلم، دوست شما مریم سئوالی از من پرسیده که من امروز جوابش را برای او و همه شما آورده ام. البته شما هم می توانید در این زمینه

ص:۱۵

اظهار نظر کنید تا با همدیگر بحث کنیم، چون اتفاقاً سئوال این دوستتون درباره بحث امامت است.

هـدی نگـاهی به مریم انـداخت و گفت: مگر قرار نبود من از خانم بپرسم؟! مریم خیلی آرام جواب داد: خوب خودم پرسـیدم، سئوال خودم بود چرا شما زحمت بکشی.

خـانم ریـاحی ادامه داد: البته من بیشتر این جواب را از یک طلبه در قم، تلفنی پرسـیدم. سـئوال مریم خانم این بود: این که امام زمان علیه السـلام غایب هسـتند به چه معناست؟ در جواب بایـد بگویـم معنای غیبت امام زمان علیه السـلام با غیبتی که یکی از شمـا هـا می کنـد فرق دارد. غیبت حضـرت مهـدی علیه السـلام به معنـای عـدم شـناخت است؛ یعنی اینکه ما حضـرت را نمی شناسیم. یا بهتر بگویم:

غیبـت حضـرت، بـه این معنـاست که ایشـان در بین مـاست، مـا را می بینـد و می شـناسد، مـا هم ایشـان را می بینیم؛ ولی نمی شناسیم.

تا حرف خانم ریاحی به اینجا رسـید نفیسه جعفری دستش را بلند کرد و با تعجب پرسید: خانم! یعنی، ما امام زمان علیه السلام را دیده

ایم؟! خانم ریاحی با لبخند جواب داد: دخترم اجازه بده من دلایل این حرفم را بگویم، بعد اگر سئوال داشتید جواب می دهم.

دلیل اول: این است که خداوند در قرآن در سوره یوسف علیه السلام می فرماید: «برادران یوسف علیه السلام او را دیدند و نشناختند، ولی یوسف علیه السلام آنها را دید و شناخت» Gفَدَخَلُواْ عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَF امام زمان علیه السلام هم تشبیه شده اند به حضرت یوسف علیه السلام .

حضرت صادق علیه السلام فرمود شیعیان هم، مهدی علیه السلام را می بینند، و لی نمی شناسند.

دلیل دوم: حدیثی است از امام علی علیه السلام که فرمودند:

«سوگند به خدای علی، حجت خدا (امام عصر علیه السلام) در میان مردم هست و در راهها (کوچه و بازار) گام بر می دارد. به خانه های آنها سر می زند... گفتار مردم را می شنود و بر ایشان سلام می کند. می بیند و دیده نمی شود تا وقت معین.»(۱)

۱- نگین آفرینش ، ص ۶۵.

این دیده نشدن در این روایت ظاهراً عدم شناخت است، چرا که حضرت فرمود «در میان مردم قدم بر می دارد...»

از طرفی نائب خاص امام عصر علیه السلام می گوید:

امام مهدی علیه السلام هر سال در حج، حضور می یابد. مردم را می بیند و آنها را می شناسد و مردم او را می بینند ولی نمی شناسند.»(۱)

دلیل سوم: از دعای ندبه است؛ در جمله ای از دعای ندبه آمده است «فدایت شوم امام زمانی که غایب هستی، ولی دور از جمعیت ما نیستی» (بنفسی انت من مغیب لم یخل منا)(۲).

پس با این دلایل، ما باید غیبت را همانطور که گفتم تعریف کنیم که اینکه امام غایب است، یعنی ما او را به همراه شناخت، نمی بینیم اما ایشان ما را می بیند و می شناسد.

۱- نگین آفرینش ، ص۶۶ ، به نقل از بحار ، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

۲- مفاتیح الجنان ، دعای ندبه.

زهرا خسروی بدون اینکه اجازه بگیرد، گفت: پس باید خیلی مواظب کارهایمان باشیم؛ چونکه الان گفتید امام زمان علیه السلام همه را می بیند!

خانم ریاحی گفتند: بله عزیزم؛ این از مسلمات است که امام زمان علیه السلام از همهٔ کارهای خوب و بد ما خبر دارد.

ثریا نصیری که به خاطر قد بلندش گوشهٔ آخر کلاس را برای خودش انتخاب کرده بود اجازه گرفت و گفت: خانم خیلی ببخشید خود شما به ما یاد دادید که هیچ حرفی را بی دلیل قبول نکنیم؛ می شود دلیل این حرف که امام زمان علیه السلام کارهای ما را می بیند و خبر دارد را بفرمائید؟!

خانم ریاحی نگاهی به ثریا انداخت، آرام به سمت آخر کلاس قدم برداشت و گفت: آفرین ! خیلی حرف خوبی زدی، دلیل این حرف آیه قرآن است؛ اما من به شرطی آدرس آیه را می دهم که قول دهید وقتی به خانه رفتید، حتماً به سراغ قرآن بروید و این آیه را چند بار با ترجمه بخوانید. صدای بچه ها با هم دیگر بلند شد که: باشد خانم قول می دهیم.

ص:۱۹

خانم ریاحی ادامه داد: خداوند در قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۰۵ می فرماید: هر کاری می خواهید انجام دهید فقط بدانید سه گروه می بینند:

۱- خدا ۲- رسول خدا ۳- مومنون§قُلِ اعْمَلُواْ فَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ . توبه/۱۰۵. (۱)کافی ج۱، ص ۱۷۱. (۲)نگین آفرینش ، ص ۱۲۱ ؛ بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۱- که در راس مومنان، امام زمان علیه السلام هستند. خود امام صادق علیه السلام فرمودند: «مومنون، ما امامان علیه السلام هستیم.

۲- پس طبق آیه قرآن، امام زمان علیه السلام از کارهای ما خبر دارند و خودشان هم فر مودند که: من از احوال پیروانم با خبرم. و فرمودند: «هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است مگر آنچه از کارهای ایشان که به ما می رسد؛ اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم.»

ببینید بچه های گلم، خود امام مهدی علیه السلام فرمودند کارهای شیعیان، به ما می رسد و ایشان شاهد اعمال ما هستند. این نکته آثار تربیتی فراوانی دارد؛ اگر ما واقعاً باور کنیم که هر کار ما در محضر امام زمان علیه السلام است خیلی بیشتر دقت می کنیم که اشتباه یا خدایی نکرده گناهی انجام ندهیم.

خانم ریاحی در حال صحبت کردن بود که نگاه مریم به هانیه کریمی افتاد که با روان نویس خوش رنگش روی کاغذ چیزهایی می نوشت، هانیه از کسانی بود که در مسابقات مقاله نویسی مقام اول را در استان کسب کرده بود.

خانم ریاحی که آماده گفتن درس جدید می شد گفت: هر کس می تواند در این زمینه که صحبت کردیم مطلبی بنویسد ما مطالبش را در روزنامهٔ هفتگی که به تابلو اعلانات نصب می شود می نویسیم.

هانیه که خط آخرش را می نوشت با عجله دستش را بلند کرد و گفت: خانم! من در بین بحث شما مطالبی به ذهنم خورد که بی ارتباط به مساله غیبت امام مهدی علیه السلام هم نبود آنها را با استفاده از بحث شما نوشتم؛ اگر اجازه می دهید بخوانم.

خانم ریاحی نگاهی به ساعت انداخت و برای اینکه ذوق هانیه هم کور نشود گفت: باشد عزیزم! بیا، اما سریع بخوان!

هانیه پای تخته آمد، دستی به مقنعه اش زد، آنرا مرتب تر کرد و از روی نوشته شروع به خواندن نمود.

«کاش زود تر می دانستم...

که غیبت شما به معنای نبودن نیست، بلکه به معنای ندیدن هم نیست. چرا که شما روی فرش مجالس ما قدم می گذاری، در بین مائی، ما را می بینی و می شناسی، ما هم شما را می بینیم، ولی نمی شناسیم. مگر نه این است که شما را تشبیه کرده اند به یوسف علیه السلام که برادران را دید و شناخت ولی برادران، او را با اینکه دیدند نشناختند.

مگر نه این است که در دعای ندبه می خوانیم: «ای غایبی که غایب از ما نیستی، فدایب شوم ای دور از مایی که از ما دور نیستی.»

مگر نه این است که وقتی می آیی، خلایق انگشت به دهان می مانند که ما این آقا را نه یکبار، بلکه بارها دیده ایم! پس تو

هستی؛ در بین مایی، ولی غایبی؛ یعنی ناشناخته ای؛ نشناختن هم گناه ماست نه مشکل تو...»

پس از تمام شدن نوشته هانیه، خانم ریاحی خیلی از کارش تعریف کرد و او را به نوشتن متن های بیشتری درباره امام زمان علیه السلام تشویق کرد و پس از آن، درس جدید را شروع نمود....

مریم در راه خانه، به صحبت های خانم ریاحی فکر می کرد...

ص:۲۳

فصل دوم

/ علل غیبت

/ فایده امام غایب

مریم که از بحث هفتهٔ گذشته، خیلی مطالب مفیدی دستگیرش شده بود سر کلاس بدون توجه به های و هوی بچه ها، منتظر آمدن خانم ریاحی بود.

با آمدن خانم ریاحی معجزه ای رخ داد؛ آن شلوغی سر سام آور، تبدیل شد به سکوتی که هرگز باور کردنی نبود. هیچکس باورش نمی شد این سکوت از همان دانش آموزانی است که لحظه ای به چانه اشان استراحت نمی دادند.

خانم ریاحی درس را شروع کرد...

مریم اجازه گرفت و گفت: خانم ببخشید، الان مشکلاتی که متوجه مسلمانان است به خاطر غیبت امام زمان علیه السلام می باشد، پس چرا خدا به غیبت ایشان پایان نمی دهد؟ یا اصلاً چرا ایشان از اول، غایب شده اند تا این مشکلات پیش بیاید؟

ص:۲۶

بچه ها که سئوال زیبای مریم را پسندیده بودند، همه به خانم ریاحی چشم دوخته تا جواب را بشنوند.

خانم ریاحی گفت: شهرداری برای اینکه محل شما در شب، روشن باشد اقدام به نصب لامپ در خیابان شما می کند. فردای آن روز، پسرهای بازیگوش، مسابقه نشانه گذاری گذاشته و لامپ ها را یکی یکی با سنگ هدف قرار می دهند؛ دوباره و سه باره از شهرداری می آیند و لامپ نصب می کنند، اما فایده ندارد. هر بار لامپ ها توسط بچه ها شکسته می شود، این کار مانع از این می شود که محل شما روشن باشد و از نور بهره ببرد. شهرداری دیگر در این محل لامپ نصب نمی کند؛ چرا که بچه های این کوچه، هنوز فرهنگ استفاده از نور را ندارند. آن موقعی که بچه ها به نیاز نورانی بودن محل پی ببرند و از تاریکی در عذاب باشند دوباره شهرداری برای نصب لامپ اقدام می کند. خدای مهربان، امامان را چراغ هدایت برای روشنگری مردم قرار داد، اما مردم امامان را یکی پس از دیگری شهید کردند. خدا هم که دید، مردم عوض استفاده از نور و علم امام، آنها را شهید می کنند، امام آخر را مخفی کرد تا مردم دریابند

ص:۲۷

امام برای چیست و فرهنگ استفاده از امام را پیدا کنند، آنوقت است که خدا، امام آخر را برای هدایت مردم می فرستد.

پس یکی از علل غیبت امام عصر علیه السلام حفظ جان ایشان است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «امام منتظَر، پیش از قیام خود، مدتی از چشم ها غایب خواهد شد.

از علت آن سئوال شد، حضرت فرمود: برجان خویش بیمناک است.»(۱)

یکی دیگر از علل غیبت، امتحان و آزمایش ما شیعیان است. هر کدام از ما، در حال آزمایش هستیم تا نشان دهیم در زمان غیبت، تا چه اندازه به دستورات دین عمل می کنیم و خود را آماده یاری حضرت مهدی علیه السلام می نماییم.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «این غیبت، آزمونی است که خداوند با آن بندگانش را امتحان می‌کند.»(۲)

ص:۲۸

۱- کمال الدین ج ۲، ص ۲۳۳ به نقل از نگین آفرینش ، ص ۷۱.
۲- غیبت طوسی ، فصل ۵، ص۲۳۷ به نقل از نگین آفرینش ، ص ۷۱.

مبینا عسگری دستش را بلند کرد و گفت: خانم اجازه این علت هایی که گفتید درست، اما آن زمان که امام ها را می کشتند ما امام نداشتیم حالا هم که امام غایب هستند مثل این است که امام نداریم، چندان فرقی ندارد؛ یعنی از امام فایده ای نصیب ما نمی شود، چون در غیبت به سر می برند. خانم ریاحی به سمت مبینا که چند تار مویش هم بیرون بود و بگی نگی یک کمی هم چاق تشریف داشت آمد و گفت: عزیزم، اتفاقاً این سئوال را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم پرسیدند که فایده امام غایب چیست؟

ایشان فرمودند: «استفاده و نفع بردن از امام زمان علیه السلام در دوران غیبت، مثل بهره بردن از خورشید پشت ابر است.»

خورشید پشت ابر دیده نمی شود، ولی آثارش به زمین می رسد؛ نور خورشید، گرمای آن و هزاران استفاده دیگر که از

خورشید می بریم همه به ما می رسد ولو در پشت ابر باشد و ما او را نبینیم.

خوب بچه های گلم، حالا شما برای هفتهٔ دیگر روی این موضوع فکر کنید که آیا ما می توانیم کاری کنیم که زمان غیبت امام عصر علیه السلام کم شود یا نه؟

تا خانم ریاحی این حرف رازد، نرگس گفت: خانم! مگر ما کی هستیم که بخواهیم غیبت امام زمان علیه السلام را پایان دهیم؟! بچه ها خنده آرامی کردند و گویی می خواستند حرف نرگس را تأیید کنند.

خانم ریاحی گفت: اشکال اصلی کار ما این است که خودمان را دست کم می گیریم، به خاطر همین به هیچ جا نمی رسیم. آنها که موفقیت های عالی به دست آورده اند اعتماد به نفس داشته، همتشان بالا بود و همیشه آخر راه را می دیدند. کسی که می خواهد بالای نردبان برود باید نگاهش به پلهٔ آخر باشد نه به پله های اولی تا بتواند به سلامت به آخر خط برسد. حالا شما روی این فکر کنید که در جلسه دیگر ده دقیقه آخر کلاس را در این باره با هم بحث کنیم.

ص:۳۰

زنـگ تفریـح به صـدا در آمـد، مریم سـراغ نرگس و هانیه رفت و بعـد از حال و احوال به آنها پیشـنهاد داد که بیاییم در قالب روزنـامه هفتگی، مطـالب خـانم ریـاحی و بحث هـای بچه ها را به تابلوی اعلانات بزنیم؛ آنها هم اسـتقبال کردنـد و هر کـدام قسمتی از کار را به عهده گرفتند.

فصل سوم

/ دل نوشته

/ چگونه جزء یارانش شویم

/ تأثیر دعای ما در فرج امام زمان علیه السلام

/ خوشحالی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

/ دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ما

ص:۳۳

پریسا که تقریباً شلوغ ترین دانش آموز مدرسه بود و همه هم یک جورایی دوستش داشتند و نشاط کلاس را مدیون او بودند امروز کاری کرده بود که صدای جیغ و داد بچه های کلاس را در آورده، همه را از کلاس فراری داده بود.او یک سوسک پلاستیکی را که در نظر اول هیچ فرقی با سوسک طبیعی نداشت آورده و به جان بچه های کلاس انداخته بود. آن قدر صدای جیغ در سالن مدرسه پیچید که خانم مدیر با سرعت و نگرانی آمد تا ببیند جریان از چه قرار است که تا سوسک را در دست پریسا دید جیغی کشید و کم مانده بود از حال برود. در همان حال، همه دبیران و معاونان آمدند و تا سوسک را در دست پریسا _ که از عاقبت این کار خشکش زده بود _ دیدند، آنها هم یک جیغ کشیدند تا کسی نباشد که امروز در این مدرسه جیغی نکشیده باشد تا نوبت رسید به

ص:۳۴

مش رحمان سرایدار که بدون توجه به جیغ ها، سوسک را از دست پریسا گرفت و با کفش پاره اش روی آن زد؛ بعد هم با صدای بلند خندید و گفت: هه هه هه پلاستیکیه!

خدا رحم کرد و اگر واسطه گری چند تا از معلم ها از جمله خانم ریاحی و تعهد کتبی پریسا نبود او باید راهی مدرسه دیگری می شد. مش رحمان هم از اینکه همهٔ قند های مدرسه را آن روز، آب قند درست کرد و داد به خانم معلم ها خیلی ناراحت بود. ...

همه بچه ها سر کلاس رفتند.

خانم ریاحی اسامی بچه ها را برای حضور و غیاب خواند و درس را شروع کرد...

به محض تمام شدن درس، هانیه دستش را بالا آورد و گفت: خانم شما گفته بودید در مورد کم کردن زمان غیبت فکر کنیم؛ من چیزهایی نوشته ام، اگر اجازه می دهید بخوانم. خانم ریاحی خیلی خوشحال از توجه و علاقه هانیه به این موضوع به او اجازه داد. هانیه که مقاله نویس خوبی بود شروع به خواندن کرد.

ای امام زمان!

کاش زودتر می دانستم که طولانی شدن غیبت شما، به خاطر نداشتن یار است و چقدر دیر فهمیدم که من هم می توانم یار شما باشم. اصلاً در فکر من نمی گنجید که یاران شما از همین کرهٔ خاکی و تعدادی از آنها از همین خاک پاک ایرانند. اگر به من گفته بودند که یاران شما، منتظر شما هستند، گناه در زندگیشان راه ندارد و اخلاقشان ستودنی است، هرگز گناه نمی کردم و با مادرم بسیار خوش اخلاق بودم.

من حتی تعداد یاران شما را که در مرحله اول ۳۱۳ نفر هستند هم نمی دانستم و وقتی فهمیدم ۵۰ نفرشان زن هستند خیلی خوشحال شدم و امیدوارتر آنگاه که پدرم گفت یاران شما، محدود به این تعداد نیستند و دسته های بعدی هم در راه یاری شما، قیام می کنند.

سکوت کلاس را فرا گرفته بود. هانیه آن قدر این متن را قشنگ و با احساس خواند که توجه بچه ها را کاملاً جذب کرده بود. خانم ریاحی ضمن تشکر از هانیه ادامه داد: بله، همین طور که دخترگلم اشاره کرد یکی از کارهایی که برای کم شدن زمان غیبت امام عصر علیه السلام می توانیم انجام دهیم این است که در فکر یاری

امـام باشـیم. چون یکی از دلا‌یلی که امامـان مـا قیام نمی کردنـد این بود که یار نداشـتند. امام عصـر علیه السـلام هم چون یار ندارنـد قیـام نمی کننـد. پس اگر ما بتوانیم کاری کنیم که از گروه یاران حضـرت قرار گیریم اولین قـدم را برای ظهور ایشان برداشته ایم.

زینب رسولیـان شاگرد دوم کلاس که بچه ساکتی بود خیلی آرام، بعـد از گرفتن اجازه گفت: خانم! راه اینکه ما یار امام زمان علیه السلام بشویم چیست؟

خانم ریاحی با تکان دادن سـر و بیشتر باز کردن چشم هایش سـئوال زینب را تایید کرد و گفت: خیلی سـئوال خوبی پرسیدی! جوابش را از کلاـم امـام صادق علیه السـلام خـدمت شـما عرض می کنم؛ واقعا اگر می خواهیم در راه یاری امام مهـدی علیه السـلام قـدم برداریم اولاً بایـد باورمان شود که ما هم می توانیم یار ایشان شویم و ثانیاً این حـدیث قدم اول را به ما معرفی می کند.

ص:۳۷

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس دوست دارد ا ز یاران حضرت قائم علیه السلام شود باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.»(۱)

ببینید چند کار از ما خواسته شده است؛ یکی اینکه منتظر باشیم. انتظار حالتی است که اولا انسان را به سمت آمادگی برای حضور آن کسی که منتظرش است می کشاند؛ یعنی نمی شود ما منتظر امام زمان علیه السلام باشیم ولی قلبمان و روحمان به خاطر گناه، آماده پذیرایی از ایشان را نداشته باشد.کار دوم، پرهیزکاری و تقوا است. پرهیزکاری، یعنی اینکه سمت گناه نرویم؛ معلوم است کسی که در فکر یاری امامش باشد باید به شدت از گناه دوری کند. امام می خواهد ظهور کند که گناه را ریشه کن کند، آنوقت من با گناه کردن چگونه می توانم یار ایشان باشم.

و سومین نکته، اخلاق نیکو است که یار امام زمان علیه السلام باید در مرحله اول با پدر و مادر، خواهر و برادر و در مرحله بعد با معلمان و دوستانش، مهربان باشد و دست یاری به طرفشان دراز کرده و از هیچ خدمتی به آنها دریغ نورزد.

۱- غیبت نعمانی ، ص ۲۰۰؛ نگین آفرینش ، ص ۱۱۶.

خوب این اولین کار برای ظهور امام زمان علیه السلام است.

اما دومین کار که خیلی مهم است و سفارش خود امام عصر علیه السلام نیز می باشد، دعا کردن برای فرج است.

امام زمان علیه السلام فرمودند: «برای تعجیل فرج خیلی دعا کنید.»(۱)

این کلمه «خیلی» خیلی حرف دارد، یعنی اینکه تا ما نخواهیم و دستانمان را برای دعا آسمانی نکنیم، خبری از ظهور نیست.پس این امر مورد سفارش خود امام زمان علیه السلام است.

حالا من یک سئوال از شما می پرسم؛ همه بچه ها دل داده بودند به بحث های خانم ریاحی که زنگ تفریح به صدا در آمد، اما برخلاف روزهای دیگر که بچه ها به محض شنیدن صدای زنگ از روی میز کنده می شدند امروز همه سر جایشان نشستند. خانم ریاحی هم ادامه دادند:

بچه های خوب! اگر شما بشنوید که من دیشب در نمازم برای شما دعا کرده ام شما چه می کنید؟

ص:۳۹

۱- کمال الدین ج ۲، ص ۲۳۹.

فاطمه راد گفت: خانم! اول اینکه خوشحال می شوم که به یادم بوده اید و دوم اینکه من هم سعی می کنم برای شما دعا کنم.

خانم ریاحی گفت: آفرین همین جواب را می خواستم. اگر ما هم برای امام زمان علیه السلام دعا کنیم اول اینکه ایشان را خوشحال کرده ایم و دوم اینکه ایشان هم برای ما دعا خواهند کرد و چه چیزی بهتر و بالاتر از دعای امام زمان علیه السلام .

اضافه بر این، دعای ما عرض ارادت ماست نسبت به امامان و اینکه واقعاً این دعاها می تواند نقش بسزایی در تعجیل فرج و ظهور امام عصر علیه السلام داشته باشد. حالا من از شما می خواهم که بعد از هر نمازتان، بلافاصله دستانتان را به سمت آسمان بگیرید و بگوئید:

«اللهم عجل لولیک الفرج»

و همچنین در قنوت نمازهایمان برای آن یار غایب از نظر، دست به دعا برداریم و عاجزانه ظهور زیبایش را از خدا بخواهیم.

تا بحث به اینجا رسید فائزه جواد پور دستش را بلند کرد و با قیافهٔ جدی گفت: خانم خیلی ببخشید! چرا برای آمدن

ص:۴۰

کسی که با آمدنش گردن ما گناهکاران را می زند باید دعا کنیم؟ من شنیده ام وقتی امام مهدی علیه السلام ظهور می کند جوی خون راه می افتد و گردن همه گناهکاران زده می شود.

خانم ریاحی با لبخندی زیبا رو به فائزه کرد و گفت: عزیزم! هرگز اینگونه نیست، ولی چون وقت گذشته این بحث را می گذاریم برای جلسه بعد، شما هم روی این بحث فکر کنید.

ص:۴۱

فصل چهارم

/ مهربانی امام زمان علیه السلام

/ نقشه دشمن

/ کاش زودتر می دانستم

ص:۴۳

از زمان شروع این بحث ها در چند دقیقه آخر کلاس، بچه ها از کلاس دینی خیلی خوششان آمده بود و نظرشان مبنی بر اینکه کلاس دینی، کلاسی خشک است، عوض شده بود. پریسا به خاطر تعهدی که داده بود یا هر دلیل دیگری، خیلی آرام شده و از آن شیطنت های گذشته دست برداشته بود، کلاس دوم ها چند روزی بود که در مدرسه گُل کرده بودند و امور فرهنگی مدرسه را با ذوق و شوق بیشتری دنبال می کردند. روزنامه هفتگی مریم و دوستانش هم خیلی مشتری داشت و دائماً تابلوی مخصوص روزنامه هفتگی نظاره گر دانش آموزان مختلف بود. نصف بیشتر مطالب روزنامه، صحبتهایی بود که سر

کلاس مطرح می شد، البته ازدحام بیش از حد جمعیت، مانع از این می شد تا همه بتوانند تمامی مطالب را بخوانند.

بچه ها یکی یکی وارد کلاس شدند دوباره سرو صدا و های و هُو فضای کلاس را اشغال کرد. این مساله چیزی نبود که به این راحتی از این کلاس جدا شود. تعجبمان وقتی بیشتر شد که یک موشک کاغذی، ساخت دست بچه های همین کلاس، به سمت تخته وایت برد عزیمت کرد و با دقت عمل بالایی که داشت، به وسط تخته خورد. ندا باز هم داد می کشید و اسم می نوشت، اما دریغ از ابهتی که حتی یک نفر را ساکت کند. ناگهان فکری به ذهنش خورد. ماژیک را برداشت و بدون توجه به شلوغی بعضی از بچه ها، روی تخته نوشت:

به نظر شما مهربان ترین انسان روی کرهٔ زمین کیست؟

ابتکار ندا گرفت، همهٔ چشمها به سمت تخته رفت، ذهن ها مشغول و دهان ها بسته شد؛ در همین لحظه خانم ریاحی وارد

کلاس شد و بچه ها همه با هم ایستاندند. خانم ریاحی، همیشه اول کلاس یک خوش و بشی با بچه ها می کرد و بعد درس را با شیوه ای جذاب شروع می کرد. بعد از نگاهی به تابلو درس معاد را شروع کرد و...

بعد از پایان درس، خانم ریاحی رو به بچه ها کرد و گفت:

دخترهای گلم! اگر یادتان باشد دوست شما فائزه، در جلسه قبل گفت: «چرا برای کسی که با آمدنش گردن ما را می زند دعا کنیم؟!»

فائزه خیلی جدی گوش می کرد به خاطر این که این سئوال خیلی ذهنش را درگیر کرده بود. خانم ریاحی ادامه داد: دشمنان اسلام همیشه در فکر شبهه افکنی هستند و هدفشان این است که عقاید پاک ما شیعیان را خراب کنند. دشمن می داند اگر امام زمان علیه السلام ظهور کند بساط آنها را بر می چیند و حکومت آنها را پایان می دهد؛ به خاطر همین، برنامه ریزی می کند تا این شخص را مورد تنفر ما قرار دهد و او را خشن معرفی می کند تا بچه های ما برای آمدنش کاری نکنند و در فکر یاری او نباشند؛ هیچکس یک فرد خشن را دوست ندارد. جالب است بدانید این مطلب که «در زمان ظهور امام زمان علیه السلام جوی خون راه می افتد» در هیچ جا

مطرح نشده است در حالی که ما در روایاتمان داریم که:

«امام مهدی علیه السلام به سیره و روش پیامبر اسلام عمل می کنند.(۱)»

پیامبر اسلام آن روز که مکه را فتح کردند با این که قدرت داشتند، از تقصیرات همه گذشتند و در عمر شریفشان حتی به یک مورچه هم ظلم نکردند من از شما سئوال می کنم، آیا تا به حال شنیده اید که پیامبر، یک گناهکار را بزنند؟ نه هرگز! بلکه با مهربانی، با شخص گناهکار صحبت می کرد و او را از گناه منصرف می کرد. امام عصر علیه السلام هم مثل پیامبر اکرم مهربان هستند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «امام، پدری مهربان و برادری دلسوز است.(۲)»

ص:۴۷

۱- کمال الدین ، ج۲، ص۱۲۲.

۲- اصول کافی ، ج۱، ص ۲۲۵.

مادر های شما چقدر مهربان هستند؟! امام زمان علیه السلام خیلی مهربان تر از مادر به ماست. خدا انسانهای خشن را دوست ندارد، ولی انسانهای مهربان را خیلی دوست دارد و همه ما می دانیم خدا، امام زمان علیه السلام را از همه بیشتر دوست دارد؛ یعنی این که هیچ کس به مهربانی امام عصر علیه السلام نمی رسد.

ما در دعای ندبه می گوییم:

«خدایا مهربانی و رأفت و دعای خیر امام زمان علیه السلام را نصیب ما کن.»

و در زیارت آل یاسین که به امام زمان علیه السلام سلام می دهیم می گوییم: «سلام بر رحمت گستردهٔ الهی»، ببینید عزیزانم! هرچه هست مهربانی است، اما دشمن می داند که اگر نوجوان ما فهمید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مهربان است، عاشقش می شود، دنبال خواسته های او راه می افتد و دیگر به حرف دشمن گوش نمی دهد، پس برای جذب جوانان ما به سمت فساد، امام را خشن معرفی می کند. بله امام زمان علیه السلام وقتی قیام کردند اول، دین حقیقی

را مطرح می کنند که خیلی ها به ایشان ایمان آورده، عدهٔ کمی هم قبول نمی کنند و به سمت جنگ با امام زمان علیه السلام می آیند که حضرت با آن عده می جنگد وگرنه امام زمان علیه السلام گناهکارانی که قصد توبه داشته باشند را خیلی دوست دارد. امام زمان علیه السلام با غم ما غمناک و با شادی ما شاد می شود و خیلی نسبت به ما دلسوز است و باور کنید مارا خیلی دوست دارد.

حرفهای خانم ریاحی که به اینجا رسید، اشک در چشمان فائزه حلقه بست. او واقعاً از مهر و محبت امام زمان علیه السلام خبری نداشت و حالا احساس عجیبی نسبت به امامش پیدا کرده بود.

خانم ریاحی ادامه داد: ما مثل فرزندان امام هستیم، امام، پدر ما هستند. کدام پدر است که در فکر بچه هایش نباشد. حرف خانم ریاحی به اینجا که رسید، فائزه از جایش بلند شد؛ بغض گلویش را گرفته بود، با این حال اجازه گرفت و بعد از فرو بردن آب دهانش صحبتش را شروع کرد:

من تا حالا به خاطر همین فکر غلط برای آمدن امام زمان علیه السلام دعا نمی کردم، اما حالا قول می دهم روز و شب برای آمدن

امـام زمـان علیه السـلام دعـا کنم و... بغض ترکیـده ی فـائزه، صـحبت هـایش را قطع کرد و فضـای کلاس را در حال و هوای دیگری برد.

خانم ریاحی که خودش را کنار میز فائزه رسانده بود، دستی به سر فائزه کشید و گفت: شـما مقصّر نیستی عزیزم! من و امثال من باید شما را زودتر آگاه می کردیم.

بعد هم رو به بچه ها کرد و گفت: من برادری دارم که در شهر قم درس می خواند و این بحث ها را هم از ایشان یاد گرفته ام، اگر موافق باشـید با همکاری مـدرسه، جلسه پرسـش و پاسخ مهدوی راه بیاندازیم تا هر کس هر سـئوالی دربارهٔ امام زمان علیه السلام دارد بپرسدو شک و شبهه ای برایش باقی نماند.

مریم و دوسـتانش که یـک خبر تبلیغـاتی داغ پیـدا کرده بودنـد خیلی خوشـحال به نظر می رسـیدند. هـانیه بـاز برگه به دست، دستش را بلند کرد و گفت: خانم بیام؟ صدای زنگ به صدا درآمد، اما بچه ها به خاطر هانیه دو دقیقه نشستند.

هانیه شروع کرد به خواندن: کاش زودتر می دانستم...

که شما مهربان ترین فرد عالم هستید، هزار بار مهربان تر از مادر.

ص:۵۰

من نمی دانستم که شما پدری مهربان، همدم و مونسی دلسوز و رفیقی خیر خواه هستید و چقدر دیر فهمیدم که شما یار بی کسان، طبیب دردمندان، راهنمای گمشدگان و انیس غریبانی.

من تازه شنیده ام که شما با غم ما غمناک و با شادی ما، شاد می شوی و نسبت به ما از خودمان، مهربان تری.

بچه ها آرام کلاس را ترک کردند. فائزه که نفر آخر بود بیرون می رفت، خیلی بی صدا به سمت تخته آمد ماژیک آبی را برداشت و جلوی سئوال ندا نوشت:

مهربان ترین انسان، امام زمان است.

من خیلی دوستش دارم

و برای آمدنش دعا می کنم.

ص:۵۱

فصل پنجم

/ زیبائیهای زمان ظهور

/ و ظایف ما در عصر غیبت

ص:۵۳

همـهٔ بچه ها گوشه حیاط جمع شـده بودنـد. خیلی ها فقط نگاه می کردنـد، اما بعضـی ها تلاش می کردند اعظم و سپیده را از همـدیگر جـدا کننـد. خـدا می داند چه درگیری راه انداخته بودند؛ این هم آخر و عاقبت رسـیدن به ورزش بانوان. غلط نکنم، اعظم کاراته کار می کنـد و سپیـده، تکواندو کار است. با صدای خانم جمالی معاون مدرسه، بچه ها به خودشان آمدند؛ دعوا هم تمـام شـد، امـا آن دو نفر به دفتر مـدرسه احضـار شدنـد. سـر کلاس، همه از اختلاف و کینه ی چنـد ساله اعظم و سپیـده صحبت می کردنـد. بعضـی ها حق را به اعظم و طرفـدار های سپیـده هم، حق را به رفیقشان می دادنـد. کلاس از روزهای قبل ساکت تر بود. بچه ها خیلی آرام تر شده بودند و توجه ایشان به درس و مطالعه کتاب های غیر درسی بیشتر شده بود.

ص:۵۴

مریم، کتاب داستان راستان شهید مطهری را همراهش می آورد و تا معلم سر کلاس بیاید دو صفحه از آن را می خواند و همیشه آن داستان ها را برای دوستانش تعریف می کرد.

خانم ریاحی وارد شد، سلام کرد و به بچه ها بفرمائید گفت و نشست روی صندلی، پشت میزی که امروز بچه های کلاس، یک گلدون گل مصنوعی روی آن گذاشته بودند. بعد از حال و احوال با دانش آموزان پرسید: بچه ها! چه خبر بود گوشه حیاط؟ چرا این دوتا این همه با هم دعوا می کنند؟ ثریا از جایش بلند شد و گفت: خانم اجازه، یک کینه شتری است که تمام شدنی نیست.

خانم ریاحی لبخندی زد و گفت: می دانید دخترهای گلم، یک روزی می رسد که در دل هیچکس کینه ای نیست، هیچ کس به دیگری ظلم نمی کند؛ حتی حیوانات هم با همدیگر مهربان می شوند و با هم بازی می کنند.

عاطفه بدون اجازه، در حالی که سر جایش نشسته بود گفت: یعنی گرگ و گوسفند با هم وسطی بازی می کنند؟ با حرف عاطفه بچه ها خندیدند.

ص:۵۵

خانم ریاحی ادامه داد: بله عزیزم، زمانی می آید که گرگ و گوسفند با هم رفیق می شوند.

پیشه انسانها مهربانی می شود. آنقدر با هم خوب می شویم که در هنگام نیاز، دست در جیب هم می کنیم و بدون هیچ اعتراضی، پول از جیب همدیگر بر می داریم؛ البته اگر نیاز شود، چون در آن ایام فقیری پیدا نمی شود. آسمان تا می تواند می بارد، حتی کویر هم گلستان می شود. گنجهای زمین، خود را نمایان کرده و التماس می کنند که مارا بردارید، اما کسی اعتنایی به این چیز ها ندارد. مهمترین مشکل آن زمان، دادن صدقه است. من مانده ام دکترها درآن زمان چه می کنند؟ چون مردم با رشد علم و بالا رفتن سطح اندیشه شان، کمتر مریض می شوند. از شرق تا غرب عالم همه جا سرسبز و گلستان است، یک زن تنها می تواند بدون هیچ خطری از کشوری به کشور دیگر برود. امنیت همه جا را می گیرد و همه مطیع یک رهبر الهی هستند. دیگر کاخ نشین و کوخ نشین نداریم. زیباترین زندگی قابل تصور را در آن دوران خواهیم دید.

ص:۵۶

حرف خانم ریاحی که به اینجا رسید یکی از دانش آموزان به اسم سوسن رسولی با شوق پرسید: خانم! این اتفاقات در چه زمانی واقع می شود؟ خانم ریاحی که متوجه شده بود خیلی ها متوجه جریان شده اند گفت: همان طور که خیلی از شما متوجه شدید، این دوران، زمان ظهور امام زمان علیه السلام است. پس ببینید برای زمان به این خوبی آیا باید دعا کنیم تا زودتر بیاید یا نه؟ ملیکا حسینی بدون اینکه دستش را بلند کند گفت: خانم اجازه! آن زمان، کنکور هم داریم؟

خانم ریاحی همراه بچه ها خندید و گفت: نه عزیزم! دیگر این مسائل دغدغه ما نخواهد بود. رشدی که علم در آن زمان پیدا می کند قابل توصیف نیست.

ملیکا دوباره بدون اجازه گفت:

مهم این است که ما الان در زمان غیبت امام زمان علیه السلام هستیم و باید ببینیم در این زمان چه وظیفه ای داریم؟!

خانم ریاحی خیلی خوشحال از سئوال ملیکا گفت: آفرین دخترم! ما وظایفی در این دوران داریم که اگر در انجامشان موفق باشیم راه خودمان را برای رسیدن به امام زمان علیه السلام هموار

کرده ایم که چون وقت گذشته و باید درس را شروع کنم خیلی مختصر به وظایف اشاره می کنم:

وظیفه اول ما، شناخت حضرت مهدی علیه السلام است.

پیامبر اکرم فرمود: «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است.»(۱)

ما باید در این راه، قدم برداریم و با مطالعه کتاب و تفکر روی مباحث مهدویت شناخت خودمان را بالا ببریم.

ندا گفت: خانم! لطف می کنید چند جلد کتاب در این رابطه معرفی کنید.

خانم ریاحی گفت: عزیزم ان شاء الله هفته آینده که جلسه پرسش و پاسخ برگزار می کنیم از حاج آقا بخواهید برایتان کتاب معرفی کند.

۱- بحار الانوار ، ج۵۱، ص ۱۶۰.

وظیفه دوم این است که تا می توانیم به یاد امام زمان علیه السلام باشیم.

یاد ایشان، سدّی در مقابل گناه ایجاد می کند و به زندگی، روح می دهد. انسان را نورانی کرده و از ظلمت رها می سازد. در اهمیت این بحث، آیت الله بهجت(ره) می فرماید: «یاد امام زمان علیه السلام از اهم ضروریات است»(۱)، یعنی از مهترین کارها این است که به یاد حضرت مهدی علیه السلام باشیم. مثلاً قبل از درس خواندن، خودمان را ملزم کنیم که چند صلوات به امام عصر علیه السلام هدیه دهیم یا در نماز ها به یاد ایشان باشیم و «دعای اللهم کن لولیک...» را در قنوت بخوانیم. سعی کنیم خواب و بیداریمان با یاد ایشان باشد، بعضی وقت ها بنشینیم و با آقا و مولایمان دردِ دل کنیم و...

وظیفهٔ سوم اینکه، تا نام مقدس ایشان را شنیدیم احترام کنیم و از جا بلند شویم، مخصوصاً وقتی لقب «قائم» علیه السلام را می شنویم. تا خانم ریاحی نام «قائم» علیه السلام را بردند همه بچه ها از جا بلند شدند و عطر صلوات فضا را معنوی کرد.

۱- راهکارهای عملی یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص ۴۹.

وظیفه بعدی این است که برای سلامتی امام مهدی علیه السلام صدقه دهیم و عملاً نشان دهیم که سلامتی ایشان را بر سلامتی خودمان مقدم می کنیم.

وظیفهٔ پنجم این که، در فکر یاری حضرت باشیم که الان یاری کردن امام زمان علیه السلام این است که تا می توانیم گناه نکنیم و بدانیم که خوشحالی حضرت مهدی علیه السلام در این است که ما از گناهان دوری کنیم. و درسمان را در حد عالی ادامه دهیم تا با تخصص و تدّین نام خود را در لیست یاری دهندگان امام ثبت کنیم.

وظیفه ششم هم این است که کسانی را که با حضرت، نسبت دارند احترام بگذاریم؛ مثل سادات و روحانیون. وظایف بیشتری هست که برای امروز همین مقدار کافی است. حالا کتاب هایتان را باز کنید تا درس امروز را شروع کنیم.

ص:۶۰

فصل ششم

/ پرسش و پاسخ مهدوی

- عمر طولانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

- امامت کودک ۵ ساله

- چرا حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می خواند؟

- با این سلاح های پیشرفته چطور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیروز می شود؟

- امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در کجا و چند سال حکومت می کند؟

- بعد از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چه می شود؟

- ما می توانیم در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم؟

- چه کنیم تا از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم؟

- چه کار کنیم تا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دست ما خوشحال شود؟

ص:۶۱

اطلاعیه ای که توجه همه را به خود جلب کرده بود و دانش آموزان را در راهرو مدرسه روی پا نگه می داشت در مورد جلسه پرسش و پاسخ مهدوی بود.

از دانش آموزان خواسته شده بود تا سئوالات خود را درباره ی امام زمان علیه السلام یادداشت کنند و در روز سه شنبه که جلسه پرسش و پاسخ برگزار می شود مطرح کنند.

حاج آقا ریاحی برادرِ خانم ریاحی، قرار بود از مرکز تخصصی مهدویت قم، یک روحانی که در رشته مهدویت تخصص دارد را دعوت کند تا در این جلسه به سئوالات دانش آموزان جواب دهد. روز سه شنبه فرارسید بچه ها خیلی خوشحال بودند اول برای این که یک ساعت کمتر سر کلاس حاضر می شوندو دوم هم برای این که به سئوالاتی که در

ذهنشـان بود جواب داده می شود. صـدای سـرو صـدای بچه هـا فضـای نمازخانه را پر کرده بود. با ورود خانم ریاحی و معاون مـدرسه خانم جمالی، بچه ها کمی آرام تر صـحبت می کردنـد بعد از لحظاتی خانم مدیربه همراه یک حاج آقا وارد نمازخانه شدند.

بچه هـای انجمن اسـلامی، نمازخانه را بسـیار جـذاب، تزئین کرده بودنـد. نوارهای تور رنگارنگ که از چهار طرف به جایگاه کشـیده شده بود جلوهٔ زیبایی را نمایان می کرد. حاج آقا روی صندلی نشست. خانم مدیر، میکروفون را به دست گرفت و بعد از بسم الله و خیر مقـدم اضـافه کرد که حـاج آقـا از قم تشـریف آورده انـد تـا شـما سـئوالات خودتان را دربارهٔ امام زمان علیه السلام از ایشان بپرسید.

بعـد هم میکروفون را جلوی حـاج آقـا تنظیم کردنـد. حـاج آقا بعـد از بسم الله، از همه ی ما درخواست کرد با همـدیگر دعای سلامتی امام زمان علیه السلام را بخوانیم.

همه، دستها را به سمت آسمان گرفتیم و آرام زمزمه کردیم؛ «اللّهم کن لولیک الحجه بن الحسن صلواتک علیه و علی

آبائه فی هذه الساعه و فی کل ساعه ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلًا و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلا.»

بعد ازصلوات بچه ها، خانم ریاحی برگه های سؤالات دانش آموزان را به حاج آقا داد. حاج آقا برگه اول را برداشت و بلند خواند:

لطفاً درباره عمر طولانی امام زمان علیه السلام توضیحی بفرمائید.

سئوال خیلی خوبی پرسیده اند و می دانم که این سئوال خیلی از شما هاست که چطور می شود یک انسان بیش از هزار سال عمر کند؟

ما در قرآن کریم داریم که حضرت نوح علیه السلام عمرطولانی داشته و فقط ۹۵۰ سال پیامبری کرده است. و حضرت عیسی علیه السلام تا کنون زنده است و در قرآن آمده که حضرت عیسی علیه السلام کشته نشده است و بسیاری از انسانها مخصوصاً در زمان های قدیم

بوده اند که عمر طولانی داشته اند؛ پس این اصلاً جای تعجب ندارد که امام زمان علیه السلام هم عمر طولانی داشته باشد.

نکته بعدی اینکه دانشمندانی مثل دکتر الکسیس کارل و چند نفر دیگر آزمایشاتی انجام داده اند و به اثبات رسانده اند که اجزاء و اعضاء بدن انسان، تا وقتی که از تغذیه سالم و بهداشت مناسب برخوردار باشند و عارضه ای به آنها نرسد زنده می مانند و ما می دانیم که امام مهدی علیه السلام به جهت علم وسیعی که دارد بهترین کسی است که می تواند به خوبی رعایت بهداشت و سلامت را بنماید.

و سخن آخر هم اینکه، آیا اگر خدا بخواهد یک نفر عمرطولانی داشته باشد می شود یا نه؟ مسلَّم است که اگر خدا اراده کند این امر ممکن می شود و هیچ بعید نیست. چند روز پیش در مجله ای خواندم که «یک ماهی در اقیانوس ها وجود دارد که ۳۰۰۰ سال عمر می کند» این نشان می دهد که بعضی مخلوقات خداوند، دارای عمر طولانی هستند.

حاج آقا برگه دوم را برداشت، سکوت عجیبی در نمازخانه حکم فرما بود بچه ها با جان و دل گوش می کردند.

ص:۶۵

چطور می شود یک کودک پنج ساله به امامت برسد؟

حاج آقا این سئوال را خواند و گفت: دانش آموزان گرامی به این نکته توجه دارند که امامت از طرف خداست و یک منصب الهی است و خداوند هر کس را شایسته بداند این مقام را به او می دهد و همان طوری که به حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام مقام نبوت را در سن کودکی داد، امامت را هم به امام مهدی علیه السلام در سن کودکی عنایت کرده است. ضمن اینکه امام جواد و امام هادی علیهما السلام هم در سن کودکی به امامت رسیدند.

تأیید اینکه امامت، در کودکی و رهبری جامعه در این سن، امکان پذیر است کودکان نابغه ای هستند که در سنین کم به مراتب بالای علمی رسیده اند.

مثلاًتوماس یانگ دانشمند انگلیسی، در دوسالگی خواندن را کاملاً می دانست؛ یا آقای محمد حسین طباطبایی که در سن پنج سالگی هر سئوالی از او می کردند با قرآن جواب می داد.

ص:۶۶

این ها امور عادی است و اگر خدا بخواهد کسی در سن پنج سالگی امام شود هیچ اشکالی پیش نمی آید.

در ضمن دشمنان امام زمان علیه السلام دنبال نقطه ضعف بودند تا امام را از چشم مردم بیاندازند، اما هرگز نتوانستند به کوچکی امام زمان علیه السلام به عنوان نقطه ضعف نگاه کنند، بلکه این خودش یک نقطه قوت بود که یک بچهٔ پنج ساله، چه ابهتی پیدا کرده و خداوند چه مقامی به او داده است که حتی پیر مردها هم از او اطاعت می کردند.

ما شنیده ایم وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می کند حضرت عیسی علیه السلام از آسمان می آیند و پشت سر ایشان نماز می خوانند مگر مقام پیامبر، بالاتر از امام نیست، پس چرا ایشان پشت سر امام عصر علیه السلام نماز می خوانند؟

در قرآن کریم آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از مقام نبوت به مقام امامت رسیده است و این می رساند که مقام

ص:۶۷

امـامت از نبوت بالاـتر است، پس امـام از پیامبر مقامش بالاتر است: در روایات هم داریم که مقام امامان از همه پیامبران غیر از پیامبر اسلام بالاتر است.

و این شـنیده شما هم درست است که حضرت عیسی علیه السلام می آید به امام زمان علیه السلام اقتدا کرده و پشت سر ایشان نماز می خواند.

سئوال دیگری که از حاج آقا پرسیده شد این بود که:

با توجه به سلاح های پیشرفته و بمب های اتمی، امام زمان علیه السلام چگونه بر دشمنان پیروز می شوند؟

حاج آقا که با سر سئوال را تائیـد می کرد گفت: در آن قیام جهانی، امـداد های غیبی خداونـد به یاری حضـرت مهـدی علیه السـلام می آینـد از جمله جبرئیـل به یاری امام زمان علیه السـلام می آیـد و بـدون شک حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باقیام خود، بر تمام قدرت های باطل غلبه پیدا می کند تا زمینه رشد و کمال انسان ها را فراهم

سازد، اما اینکه با چه سلاحی قیام می کند دو نظر است. پیامبر فرمودند: «امام مهدی علیه السلام با شمشیر قیام می کند.»

حالا این شمشیر، یا شمشیرِ خاص است که نیروهای فوق العاده ای در آن نهفته شده است و معجزه آسا مثل عصای موسی علیه السلام همه اسلحه های دشمن را از بین می برد یا اینکه شمشیر، نماد قدرت است و حضرت با اسلحه های پیشرفته قیام می کند و دشمنان را شکست می دهد، اما آنچه که معلوم است امام زمان علیه السلام از سلاح های کشتار جمعی استفاده نخواهد کرد؛ علتش هم این است که ایشان برای برپایی عدالت آمده اند و در این راه به احدی، کوچکترین ظلمی نخواهد کرد.

اما سئوال بعدی:

امام زمان علیه السلام چند سال حکومت می کند و پایتخت حکومت ایشان کجاست؟

ص:۶۹

درباره زمان حکومت امام زمان علیه السلام نظرات متفاوتی مطرح است که یکی از آنها ۳۰۹ سال را زمان حکومت امام مهدی علیه السلام معرفی می کند که با توجّه به مقدمه ی طولانی این حکومت، طولانی بودن خود حکومت هم دور از ذهن نیست، اما محل حکومتشان شهر کوفه است.

حاج آقا مقداری از آب لیوانی که روی میز بود نوشید و برگه بعدی را برداشت و سئوال را خواند:

بعد از امام زمان علیه السلام چه می شود؟ یعنی بعد از اینکه ایشان از دنیا می روند وضعیت جهان چه می شود؟

سئوال خوبی پرسیدند. خیلی از دانش آموزان عزیز فکر می کنند بعد از این که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا می روند قیامت برپا می شود در حالی که بشریت، تازه طعم زندگی شیرین را چشیده است. در این زمینه بحث رجعت و بازگشت امامان علیهم السلام مطرح شده است. چون که امام را باید امام، غسل و کفن کند. به خاطر همین

بعد از امام زمان علیه السلام به اذن خدا امام حسین علیه السلام به دنیا بر گشته و بعد از غسل امام زمان علیه السلام ، حکومت را اداره می کند.

تا صحبت حاج آقا به اینجا رسید یکی از دانش آموزان دستش را بلند کرد و گفت: خانم اجازه. تا گفت خانم اجازه، نمازخانه از صدای خنده پر شد. البته تقصیری هم نداشت، چون هر روز سر کلاس تا می خواهیم حرف بزنیم اول خانم اجازه بر زبانمان جاری می شود.

حاج آقا با متانت گفت: بفرمائید دخترم سئوالتان را بپرسید. دانش آموز گفت: ببخشید حاج آقا ما هم می توانیم برگردیم تا از حکومت سرشار از نشاط امام عصر علیه السلام بهره مند شویم؟

حاج آقا فرمودند: بله، رجعت _ که برای اثباتش آیاتی هم در قرآن کریم آمده است _ مخصوص یک عده خاص نیست، بلکه هرکسی که ایمانش کامل شود و خواهان یاری امام عصر علیه السلام باشد اجازه بازگشت به او می دهند. البته در روایات، نام افرادی ذکر شده است؛ مثل چند نفر از اصحاب کهف، مالک اشتر، سلمان فارسی، صیانه ماشطه (خانمی که در راه دین خدا ایثارگری کرد) و سمیه مادر عمار یاسر که در دفاع از پیامبر،

جان خود را اهـدا کرد و.... این ها بر می گردنـد تا مشاهده کنند که چگونه آن دینی که جانشان را در راهش فدا کردند تمام جهان را فرا گرفته است.

اما راه برگشت ما چنـد چیز است؛ اولا اینکه پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله وقتی به سـلمان فارسـی بشارت درک امام مهـدی علیه السـلام را می دهد به نکته ای اشاره می کند که خیلی برای ما اهمیت دارد. حضـرت فرمود: «ای سلمان! شما مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک می کنی و هر کس که مثل شما معرفت داشته باشد.»

یعنی معیار درک حضور امام مهدی علیه السلام ، معرفت و شناخت ایشان است.

راه دیگر هم خوانـدن دعای عهـد است، آن هم چهل صـبح که بایـد با همان معرفت همراه باشـد. اگر در فکر یاری امام زمان علیه السلام باشیم و عمرمان به زمان ظهور نرسد احتمال دارد که اجازه برگشت به ما بدهند.

حاج آقا نگاهی به ساعت انداخت و گفت: وقت ما تقریباً تمام شده من یک سئوال دیگر را هم جواب می دهم، بقیه

جوابها را در تابلو اعلانات، مکتوب می نویسم تا سؤال کسی بی جواب نمانده باشد، اما سؤال آخر!

چه کنیم تا بتوانیم از یاران امام زمان علیه السلام باشیم؟

من این سئوال را با حدیثی از امام صادق علیه السلام جواب می دهم. ایشان فرمودند «کسی که دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد باید انتظار بکشد و در حال انتظار، پرهیزکاری پیشه کند و به اخلاق نیکو آراسته گردد.(۱)»

همان طوری که متوجه شدید سه شرط در این روایت برای کسانی که می خواهند یار امام زمان علیه السلام باشند ذکر شده است. اول، انتظار که درزمان غیبت امام زمان علیه السلام یکی از وظایف مهم ما، این است که در انتظارِ مقدم دلدار باشیم. کسی که منتظر مهمان است خانه اش را تمیز و آماده می کند و از آلودگی ها

۱- غیبت نعمانی ، ص ۲۰۰، نگین آفرینش ، ص ۱۱۶.

شستشو می دهد، پس اگر واقعاً منتظر ایشان هستیم باید از گناه فاصله بگیریم.

دوم، پرهیز کاری و تقوا است که یعنی دوری از گناه، یعنی دوری از بی احترامی به پدر و مادر، یعنی اهمیت دادن به نماز اول وقت، یعنی حفظ حجاب و...

و سوم اخلاق نیکو، که این هم خیلی مهم است، مخصوصاً در خانه، با پدر و مادر و خواهر و برادرانتان، خیلی باید خوش اخلاق باشید.

امیدوارم که خداوند همه شما را از یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار دهد، برای سلامتی و تعجیل در فرج قطب عالم امکان، صلواتی عنایت بفرمائید.

با صدای صلوات، جلسه پرسش و پاسخ تمام شد اما دانش آموزانی که سئوالاتشان مانده بود به سمت حاج آقا آمدند و به صورت شفاهی، سئوالاتشان را پرسیدند. یکی ازدانش آموزان کلاس سوم پرسید: حاج آقا ببخشید!

چه کارکنیم امام زمان علیه السلام ازدست ما خوشحال شود؟

ص:۷۴

حـاج آقـا گفت: خیلی کارهـا که مهمترینش ترک گنـاه است. امـا کار دیگری که ایشان را خوشـحال می کنـد هـدیه دادن به ایشان است. مثلا شما بعد از هر نمازی سه بار قل هوالله احد را بخوانید که ثواب یک ختم قرآن دارد و به ایشان هدیه کنید.

خانم مـدیر برای تشـکر سـمت حاج آقا آمـد و با صـدای نسـبتاً بلندی به بچه ها گفت: حاج آقا فرمود که جوابها را در تابلوی اعلانات مکتوب می کنند، بفرمائید سر کلاس ها. بچه ها هم به هر دلیلی بود حرف خانم مدیر را گوش کردند و...

مـدرسه حـال وهـوای مهـدوی به خـود گرفته بـود، هرکس می خواست از دیگری جلو بیفتـد و مطـالب بیشـتری در مورد امـام زمانش بداند و شناختش را نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر کند. مریم هم که نقطه شروع این بحثها بود خوشـحال از اینکه بسیاری از شک و شبهه هایش در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبتش برطرف شده بود، در حیاط مـدرسه به طرف حاج آقا می دوید تا نام کتابهایی که در این خصوص می تواند او را آگاه کند را از او بپرسد. حاج آقا هم نام چند کتاب از جمله تمنای ظهور،

خورشید تابناک، صبح امید، و نرم افزار آفتاب عشق را به او معرفی کرد و گفت:

همچنین می توانید به شعبه های بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که در مراکز استان ها فعال هستند مراجعه کنید و کتاب ها را تهیه کنید.

فردای همان روز تابلوی اعلانات، پر شده بود از جوابهایی که حاج آقا به سئوالات دانش آموزان داده بود. جوِّ مدرسه خیلی تغییر کرده و مسابقه روزنامه دیواری با موضوعات مختلف از جمله بحث مهدویت چند روز دیگر برگزار خواهد شد؛ با لیست ثبت نام برای اردوی قم و جمکران هم با اینکه یک هفته وقت داشت دو روزه تکمیل شده. راستی! اعظم و سپیده هم کینه ها را کنار گذاشتند و به عشق یاری امام زمان علیه السلام ، با هم دوست شدند...

ص:۷۶

سؤالات مسابقه

۱. غیبت امام به چه معناست؟

الف. ما را می بیند و می شناسد ب. وجود دارد ولی دیده نمی شود

ج. ما را می بیند و می شناسد ما هم او را می بینیم ولی نمی شناسیم

۲. این سخن از کیست (امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر سال در حج حضور می یابد...)

الف. امام علی علیه السلام ب. نائب خاص امام ج. امام صادق علیه السلام

۳. علت غیبت امام چیست؟

الف. حفظ جانش ب. آزمون مردم ج. هر دو مورد

۴. این سخن از کیست؟ (برای تعجیل فرج خیلی دعا کنید)

الف. امام باقر علیه السلام ب. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ج. امام کاظم علیه السلام

۵. کدام یک از علما در قنوت نمازش دعای «اللهم کن لولیک...» را می خواند؟

الف. آیت الله بهجت ب. آیت الله بهاءالدینی ج. آیت الله سیستانی

۶. این سخن از کدام امام است؟ (امام پدر مهربان و برادری دلسوز است)

الف. امام رضا علیه السلام ب. امام صادق علیه السلام ج. امام کاظم علیه السلام

۷. این جمله در کدام دعا آمده است: «خدایا مهربانی و رأفت و دعای خیر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نصیب ما کن.»

الف. دعای عهد ب. دعای کمیل ج. دعای ندبه

۸. چند امام در سن کودکی به مقام امامت رسیدند؟

الف. سه امام ب. دو امام ج. یک امام

۹. کدام پیامبر در نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می کند؟

الف. حضرت موسی علیه السلام ب. حضرت یحیی علیه السلام ج. حضرت عیسی علیه السلام

۱۰. کلام گهر بار امام صادق علیه السلام برای کسانی که دوست دارند از یاران حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند را بنویسید.

ص:۷۷

_ ((پاسخنامه)) _

الف

ب

ج

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

.۱۰ ....

....

....

در صورت برگزاری مسابقه پاسخنامه را

به محلی که کتاب را تهیه کرده اید تحویل بدهید.

ـ ((یادداشت)) ـ

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

_ ((یادداشت)) _

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

....

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹